

ماهیت و انواع مسئولیت معاونت در دیوان‌های بین‌المللی کیفری

نادیا باقری**

مهین سبحانی*

چکیده

اساسنامه دیوان‌های بین‌المللی کیفری صراحتاً اصطلاح معاونت را به کار نبرده‌اند، بلکه صرفاً به مصادیقی از مساعدت و همکاری در ارتکاب جرم اشاره کرده‌اند. مصادیق مختلفی مانند برنامه‌ریزی، تحریک و کمک مادی و معنوی در ارتکاب جرائم بین‌المللی در اساسنامه این محاکم مورد اشاره قرار گرفته‌اند. حال سؤال این است که آیا اشکال مختلف مساعدت و همکاری در ارتکاب جرائم بین‌المللی را می‌توان به منزله معاونت در ارتکاب جرم دانست؟ آیا این امر می‌تواند به مسئولیت کم‌تر و در نتیجه مجازات خفیف‌تر برای متهم منجر شود؟ این مقاله با بررسی معیارهای مختلف جهت تمیز مباشرت از معاونت، به این نتیجه می‌رسد که دیوان‌های بین‌المللی کیفری در رویه جدید خود با استناد به معیار کنترل جرم، مباشرت در جرم را از معاونت تمیز می‌دهند. در واقع کنترل‌کننده جرم همان فاعل جرم است و سایرین، معاونان در جرم ارتكابی هستند. معاونت در جرائم بین‌المللی شامل مصادیق مختلفی می‌شود که هر یک از تعریف و شرایط متمایزی برخوردار هستند به طوری که برخی از آن‌ها از شدت بیشتری در قیاس با انواع دیگر برخوردار هستند. این تفکیک جهت ارائه تصویر درست از نقش عواملان جرائم بین‌المللی است و منجر به مجازات کمتر معاونان در قیاس با مباشران جرائم بین‌المللی نمی‌شود.

واژگان کلیدی: برنامه‌ریزی کردن، تحریک کردن، دیوان‌های بین‌المللی کیفری، کمک مادی و معنوی، کنترل جرم، معاونت.

* استادیار گروه حقوق، دانشگاه گیلان (نویسنده مسئول).

** دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

مقدمه

در حقوق بین‌الملل کیفری، همانند نظام‌های حقوقی داخلی، تحقق مسئولیت کیفری منحصر به مباشرت در ارتکاب جرم نیست بلکه سایر مداخلات در ارتکاب رفتار مجرمانه نیز مسئولیت‌آور است. به‌ویژه ماهیت جرائم بین‌المللی به گونه‌ای است که تصور ارتکاب انفرادی آن‌ها امری محال است؛ اما سایر مداخلات در ارتکاب رفتار مجرمانه تحت چه عنوانی شناخته می‌شود؟ و آیا برگزیدن عنوان متفاوت برای این دست مداخلات، آثار حقوقی خاصی به‌ویژه در حوزه احراز مسئولیت و مجازات به همراه خواهد داشت؟

جرائم بین‌المللی در بسیاری مواقع با همکاری اشخاص مختلف ارتکاب می‌یابند. بدیهی است هرگاه همه افراد دخیل عمل مشابهی را انجام دهند، باید همه آن‌ها را به عنوان مباشر اصلی جرم، مسئول شمرد. لیکن بسیاری از مواقع این چنین نیست. برای مثال یک نفر دستور شکنجه را صادر می‌کند، دیگری ابزار شکنجه را در اختیار مجری قرار می‌دهد و شخص ثالثی آن را اجرا می‌کند، در عین حال پزشکی هم برای تعیین حد تحمل قربانی، جهت متوقف ساختن شکنجه هنگامی که بیم مرگ قربانی می‌رود، در صحنه حاضر است (میرمحمد صادقی، ۱۳۹۲: ۱۶۰).

بر همین اساس، در دیوان‌های بین‌المللی کیفری پیش‌بینی اشکال مسئولیت به گونه‌ای صورت گرفته تا دربرگیرنده کلیه اشکال همکاری و مشارکت در ارتکاب جرائم بین‌المللی باشد. به موجب ماده ۶ منشور «دادگاه نظامی بین‌المللی»^۱ (زین پس دادگاه نورنبرگ) که ماده ۵ منشور «دادگاه نظامی بین‌المللی برای خاور دور»^۲ (زین پس دادگاه توکیو) عیناً مشابه آن است: «...اعمال ذیل، یا هریک از آن‌ها، جرائم تحت صلاحیت دادگاه هستند که برای آن‌ها مسئولیت شخصی وجود دارد: الف. جنایات علیه صلح: یعنی برنامه‌ریزی، آماده‌سازی، شروع یا اقدام به یک جنگ تجاوزکارانه، یا جنگی مغایر با معاهدات و توافقات و تضمین‌های بین‌المللی، یا مشارکت در یک طرح مشترک

1. International Military Tribunal

2. International Military Tribunal for the Far East

یا تبانی برای انجام هر یک از اعمال مذکور؛ ب. جنایات جنگی...؛ ج. جنایات علیه بشریت...». رهبران، سازمان‌دهندگان، تحریک‌کنندگان یا مشارکت‌کنندگان در تدوین یا اجرای یک طرح مشترک یا تبانی برای ارتکاب هر یک از جرائم مذکور برای همه اعمال ارتكابی توسط اشخاص در اجرای چنین طرحی مسئول شناخته خواهند شد.

در اساسنامه «دیوان بین‌المللی کیفری برای یوگسلاوی سابق»^۱ (زین پس دیوان یوگسلاوی) هم در یک ماده به تمامی اشکال مسئولیت کیفری فردی در ارتکاب جرائم بین‌المللی اشاره شده است. به موجب ماده (۱) ۷ از اساسنامه دیوان یوگسلاوی «هر فردی که به «برنامه‌ریزی»^۲، «تحریک»^۳، «دستور»^۴، ارتکاب یا «کمک مادی و معنوی»^۵ به «برنامه‌ریزی»^۶، «ارتکاب»^۷ یا اجرای هر یک از جرائم مذکور در مواد ۲ تا ۵ این اساسنامه روی آورد، نسبت به آن جرم از مسئولیت فردی برخوردار است» متن این ماده عیناً در ماده (۱) ۶ اساسنامه «دیوان بین‌المللی کیفری برای رواندا»^۸ (زین پس دیوان رواندا) و ماده (۱) ۶ اساسنامه «دادگاه ویژه سیرالئون»^۹ (زین پس دادگاه سیرالئون) تکرار شده است.

ماده (۳) ۲۵ اساسنامه «دیوان بین‌المللی کیفری»^{۱۰} (زین پس دیوان) نیز به اشکال مختلف مسئولیت کیفری تصریح کرده است. به این ترتیب در بند ب («دستور»^{۱۱}، «تشجیع»^{۱۲} یا «ترغیب»^{۱۳})، بند پ («کمک مادی و معنوی»^{۱۴}) و بند ت (کمک به پیشبرد اهداف مجرمانه گروه)، نمونه‌های مختلف مساعدت و همکاری در ارتکاب

1. International Criminal Tribunal for the former Yugoslavia
2. Planned
3. Instigated
4. Ordered
5. Aided and Abetted
6. Planning
7. Preparation
8. International Criminal Tribunal for Rwanda
9. The Special Court for Sierra Leone
10. International Criminal Court
11. Orders
12. Solicits
13. Induces
14. Aiding and Abetting

جرم بین‌المللی مورد اشاره قرار گرفته است. تنها تفاوت اساسنامه دیوان با سایر محاکم مذکور در این است که دیوان در ماده ۲۵ اساسنامه خود بندهای مختلفی را به اعلام اشکال مختلف مسئولیت کیفری عاملان جرائم بین‌المللی اختصاص داده است. امری که با توجه به پیشینه معاونت در نظام‌های حقوق داخلی منجر به اختلاف نظر بین حقوقدانان شده است. سؤال اصلی این است که آیا اشکال مختلف مساعدت و همکاری در ارتکاب جرائم بین‌المللی مندرج در مواد یادشده را می‌توان به منزله معاونت در ارتکاب جرم دانست؟ به نظر می‌رسد که اختصاص بندهای مختلف در ماده ۲۵(۳) اساسنامه دیوان، بیانگر نوعی درجه‌بندی و سلسله‌مراتب بین اشکال مسئولیت متناسب به این بندها و تفکیک بین اشکال مباشرت و معاونت در ارتکاب جرم بین‌المللی باشد.

هدف اصلی مقاله احراز این امر است که آیا چنین تفکیکی می‌تواند به مسئولیت کم‌تر و در نتیجه مجازات خفیف‌تر برای متهم منجر شود؟ شرایط لازم برای احراز مسئولیت اشخاصی که تحت عناوینی مانند برنامه‌ریزی، کمک مادی و معنوی، تحریک کردن در ارتکاب جرائم بین‌المللی مداخله می‌کنند، چیست؟ به منظور پاسخ به سؤال‌های فوق، این مقاله در پی آن است که ضمن بررسی ماهیت معاونت در ارتکاب جرم بین‌المللی، به بررسی انواع مختلف آن و شرایط لازم برای احراز مسئولیت اشخاص از این باب بپردازد.

۱. ماهیت معاونت در ارتکاب جرم بین‌المللی

معاونت یک تأسیس حقوق عرفی است که در مقابل مباشر که عنصر مادی جرم را انجام و جنایت به او منتسب است، قرار می‌گیرد (خالقی و جودکی، ۱۳۸۹: ۴۰). معاون در جرم کسی است که عامدانه و آگاهانه و آزادانه با فعل یا ترک فعل خود با مرتکب اصلی جرم در ارتکاب جرم همگام می‌شود؛ اما سؤال این است که مرتکب اصلی چگونه از معاون قابل تمیز است؟ و در صورت احراز این امر، چه ارتباطی بین مجرمیت و مجازات معاون با مرتکب اصلی وجود دارد؟ آیا در صورت تمیز این دو از

هم معاون باید تحت مجازات کم‌تری قرار گیرد؟

۱-۱. معیار تمیز مرتکب اصلی از معاون

جهت تمیز مرتکب اصلی از معاون دو معیار عینی و ذهنی ارائه شده است. معیار ذهنی جهت تمیز مرتکب اصلی بر رکن معنوی مرتکب تکیه می‌کند. در واقع، از این دیدگاه مرتکب کسی است که قصد ارتکاب جرم را دارد. در نتیجه، معاون کسی است که با وجود مساعدت در ارتکاب جرم، خود قصد ارتکاب جرم را ندارد، بلکه بر این امر واقف است که با اعمال خود به ارتکاب جرم توسط مرتکب اصلی کمک می‌کند و آگاهانه و عامدانه این کمک را ارائه می‌کند (کاسسه، ۱۳۸۷: ۲۳۱). در مقابل، معیار عینی تمرکز را بر میزان مداخله مرتکب در عملیات اجرایی جرم قرار داده است. به موجب این معیار، مرتکب کسی است که ارکان مادی جرم را انجام می‌دهد. در نتیجه، معاون بدون آن‌که در عنصر مادی جرم دخالت کند با اعمالی همچون تحریک، ترغیب، تهیه وسایل و به طور کلی با کمک به مباشر موجب تسهیل وقوع جرم می‌شود (شیخ‌الاسلامی، ۱۳۹۶: ۱۳۸؛ Zgaga, 2011: 102-104; ICC, 2007: 328-329).

شعبه تجدیدنظر دیوان یوگسلاوی در پرونده «وسیلجویچ»^۱ از هر دو معیار یادشده جهت تفکیک بین معاون و مرتکب استفاده کرده است. از نظر دیوان معاون «اعمالی را با هدف خاص»^۲ مساعدت، تشویق یا حمایت معنوی از ارتکاب جرائم خاصی انجام می‌دهد و این اعمال باید تأثیر اساسی بر ارتکاب جرم داشته باشند. در عین حال رکن معنوی معاون در ارتکاب جرم، علم به این است که اعمال وی منجر به تسهیل ارتکاب جرم می‌شوند (ICTY, 2004: 102).^۳ معیار مقرر برای رکن مادی معاونت «انجام عمل با هدف خاص» برای اولین بار در پرونده «تادیچ»^۴ مورد استفاده قرار گرفت و بعد از

1. Vasiljevic

2. Specific Direction

۳. قاضی شهاب‌الدین در این پرونده با انتقاد از عدم ارائه معیاری دقیق جهت تمیز بین معاون و مباشر، معتقد به استفاده از معیار کنترل جهت تفکیک بین معاون و مرتکب بود (ICTY, 2004: 29).

4. Tadic

آن شاهد تکرار این معیار یا معادل آن در پرونده‌های مشابه جهت احراز مسئولیت شخص به عنوان معاون در جرم هستیم. در نهایت شعبه تجدیدنظر دیوان یوگسلاوی در پرونده «پریسیچ»^۱ به این نتیجه می‌رسد که هیچ محکومیتی بابت معاونت متهم بدون اثبات ارتکاب عمل با هدف خاص مساعدت به ارتکاب جرم اصلی نمی‌تواند صادر شود. از نظر دیوان جهت‌دار بودن عمل ارتكابی معاون بخشی از رکن مادی لازم برای احراز اتهام معاونت (در حالت کمک مادی و معنوی) در ارتکاب جرائم بین‌المللی است (ICTY, 2013: 25-36).

در کنار معیارهای یادشده که برگرفته از نظام‌های داخلی است، ماهیت گروهی جرائم بین‌المللی منجر به این امر شد که دیوان‌های بین‌المللی کیفری جهت احراز شرکای اصلی ارتکاب جرائم بین‌المللی که عمدتاً از طریق به‌کارگیری مجموعه‌ای از افراد مرتکب جرائم بین‌المللی می‌شوند، دست به ابتکار دیگری زده و از معیار «اقدامات مجرمانه مشترک»^۲ استفاده کنند (Stahn, 2019). شعبه تجدیدنظر دیوان یوگسلاوی در پرونده تادیچ برای اولین بار به این نوع مسئولیت اشاره کرد. مطابق با این نظریه در صورت وجود طرح یا برنامه مشترکی که ارتکاب جرائم مقرر در اساسنامه را در خود گنجانده باشد، اگر فرد با عده‌ای دیگر در اجرای این طرح مشترک همکاری کند، آن‌ها مسئول کلیه جرائم ارتكابی هستند (خالقی و میرزایی مقدم، ۱۳۹۲: ۹۸).

در واقع، این نظریه ابتکاری دیوان یوگسلاوی دنباله اعمال نظریه ذهنی در تمییز مباشران پشت صحنه جرائم بین‌المللی است. از نظر دیوان یوگسلاوی، همگی این افراد به دلیل برخورداری از عنصر ذهنی جرم که در طرح مشترک آن‌ها تبلور یافته است، حتی اگر به یک اندازه در ارتکاب ارکان مادی جرم نقش نداشته باشند، به عنوان شرکا و مباشران جرم تلقی می‌شوند (Stahn, 2019). نظریه اقدام‌های مجرمانه مشترک تحت انتقادهای شدیدی نیز واقع شده است. از جمله انتقادهای وارده بر آن بسط مفهوم مشارکت در جرم به افرادی است که نه تنها در رکن مادی جرم مشارکتی نداشتند، بلکه

1. Perisic

2. Joint Criminal Enterprise

در برخی انواع آن حتی از قصد مشترک با مباشران جرم هم برخوردار نبوده‌اند (خالقی و میرزایی مقدم، ۱۳۹۲: ۱۱۷-۱۰۸).

بر این اساس، شعبه مقدماتی دیوان بین‌المللی کیفری در پرونده «لوبانگو»^۱ با اذعان به وجود تمایز بین مرتکب اصلی و معاون و ضمن انتقاد از معیارهای یادشده، از معیار دیگری تحت عنوان معیار کنترل استفاده می‌کند که با استناد به آن می‌توان مرتکب اصلی را از معاون جرم تمیز داد. با استفاده از این معیار مرتکب اصلی محدود به شخصی نیست که جرم را به طور فیزیکی مرتکب شده است، بلکه شامل اشخاصی که علی‌رغم عدم حضور در صحنه ارتکاب جرم، بر ارتکاب آن کنترل و رهبری دارند هم می‌شود، زیرا آن‌ها هستند که تصمیم به ارتکاب و چگونگی ارتکاب جرم گرفته‌اند. به موجب این معیار دو بخشی، آن‌هایی که بر ارتکاب جرم کنترل دارند (رکن مادی) و از کنترل خود آگاه هستند (رکن معنوی) به عنوان مرتکب اصلی جرم شناخته می‌شوند (ICC, 2007: 330, 338). موضوعی که مورد تأیید شعبه مقدماتی دیوان در پرونده «کاتانگا»^۲ نیز قرار گرفت (ICC, 2008: 482). دیوان در این پرونده با اشاره به پیش‌بینی «مباشر غیرمستقیم»^۳ (فاعل معنوی) در بند الف ماده (۳) ۲۵ یادآور شد که این امر حاکی از رد معیار عینی در دیوان است، زیرا کسی که به طور فیزیکی مرتکب ارکان مادی جرم نشده است را هم به عنوان مرتکب اصلی در نظر گرفته است.^۴

بنابراین، سایرین که کنترلی بر جرم ارتکابی ندارند، اما در ارتکاب جرم به هر طریق مذکور در بندهای ب الی ت ماده (۳) ۲۵ اساسنامه دیوان نقش داشته‌اند، تحت عنوان معاون مسئولیت خواهند داشت. شعبه تجدیدنظر دیوان در پرونده لوبانگو هم

1. Lubanga

2. Katanga

3. Indirect Perpetrator

۴. فاعل معنوی (مباشر غیرمستقیم یا باواسطه) در برابر فاعل مادی کسی است که جرم را توسط دیگری مرتکب شود. کسی که با داشتن اقتدار خواه در عمل و خواه به موجب قانون جرم را بی‌آنکه از حیث مادی در ارتکاب آن مداخله کند واقع می‌سازد (اردبیلی، ۱۳۹۳: ۹۲). مصادیق فاعل معنوی دستور به ارتکاب جرم و مدیریت در ارتکاب جرم است. فاعل معنوی در مصداق مدیریت ارتکاب جرم علاوه بر این‌که شیوه ارتکاب جرم را به فاعل مادی توضیح می‌دهد، ارتکاب جرم هم کاملاً تحت هدایت و کنترلش است، در حالی‌که در معاونت از طریق ارائه طریق، معاون فقط نحوه ارتکاب جرم را به فاعل مادی اعلام می‌کند، اما فاعل مادی تحت هدایت و کنترل معاون نیست و ابتکار عمل با فاعل مادی است (اردبیلی، ۱۳۹۵: ۱۹-۱۸).

ضمن تأیید نظر شعبه بدوی مبنی بر تفاوت در اشکال مسئولیت کیفری مندرج در دیوان با دیوان‌های یوگسلاوی و رواندا، در تشریح معیار کنترل اعلام کرد که برای احراز معیار کنترل، نقش کلیدی متهم در جرم ارتكابی و قدرت وی مبنی بر جلوگیری از ارتكاب جرم حتی اگر در مراحل اجرایی جرم نقش اساسی نداشته باشد، تعیین‌کننده است (ICC (A), 2014: 473). به عبارتی طبق معیار کنترل، متهمی که از چنان نقش مهمی در ارتكاب جرم برخوردار است که می‌تواند با عدم ایفای نقش خود مانع از ارتكاب جرم شود، مرتکب اصلی جرم است و در غیراین صورت معاون جرم قلمداد می‌شود؛ بنابراین از نظر دیوان بند الف ماده (۳) ۲۵ اساسنامه بیانگر اشکال مسئولیت مرتکب اصلی و بندهای ب الی ت بیانگر اشکال مسئولیت معاون در جرائم بین‌المللی است. برای مثال، می‌توان از همان نمونه یادشده در مقدمه بهره برد. طبق معیار کنترل، کسی که دستور شکنجه را صادر می‌کند و کسی که آن را اجرا می‌کند، فاعل جرم و کسی که ابزار شکنجه را در اختیار مجری قرار می‌دهد و یا پزشک حاضر در صحنه جرم معاون جرم تلقی خواهند شد. در واقع این رابطه سببیت است که در معیار کنترل منجر به چنین نتیجه‌ای می‌شود.

بند الف ماده (۳) ۲۵ اساسنامه دیوان که به ارتكاب جرم به طور انفرادی، (یا) به اتفاق شخص دیگر یا به واسطه شخص دیگر، صرف‌نظر از مسئولیت یا عدم مسئولیت شخص دیگر اشاره دارد، به ترتیب به فاعل مادی، شریک و فاعل معنوی اشاره دارد که همگی از مسئولیت یکسانی برخوردار هستند و به عنوان مرتکب اصلی جرم تلقی می‌شوند. مرتکب جرم به شکل انفرادی همان فاعل مادی است. هرگاه چند نفر به اتفاق یکدیگر مرتکب ارکان مادی جرم شوند، شریک در جرم تلقی می‌شوند. هرگاه جرم به واسطه دیگری ارتكاب یابد ناظر بر فاعل معنوی است.^۱

۱. به نظر می‌رسد که بند الف ماده (۳) ۲۵ اساسنامه دیوان از ماده ۲۵ قانون مجازات آلمان الگوبرداری کرده باشد (یوسفیان، ۱۳۹۳: ۲۹۳) که به موجب آن: «۱. هر فردی که خود یا از طریق دیگری مرتکب جرم شود، به عنوان مرتکب اصلی مجازات خواهد شد. ۲. اگر بیشتر از یک نفر مشترکاً جرمی را مرتکب شوند، هر یک باید به عنوان مرتکب اصلی شناخته شوند» (Jain, 2013: 848).

۱-۲. ارتباط مجرمیت و مجازات معاون با مرتکب اصلی

در بیان ارتباط مجرمیت و مجازات معاون با مرتکب اصلی دو شیوه «استقلالی»^۱ و «استعاره‌ای»^۲ به چشم می‌خورد. به موجب شیوه استعاره‌ای، معاون مرتکب بزه مستقلاً نمی‌شود، بلکه مجرمیتش را از مرتکب اصلی عاریه می‌گیرد (شیخ‌الاسلامی، ۱۳۹۶: ۱۵۰-۱۴۹). در نتیجه، مجرمیت و مجازات معاون بیشتر از مباشر نخواهد بود، زیرا بزهکاری فعل معاون تنها در پرتو رفتار مجرمانه مباشر محقق می‌شود (Jain, 2013: 839-840). به موجب این رویکرد که در «نظریه یگانگی»^۳ تبلور یافته، نظام حقوقی با یک جرم ارتكابی مواجه خواهد شد و تمام مشارکت‌کنندگان در جرم صرف‌نظر از میزان مشارکت، از مجرمیت برابری برخوردار خواهند بود (Jain, 2013: 833).

در مقابل، نظریه دیگر ضمن تفکیک بین مشارکت‌کنندگان در جرم، مسئولیت معاون را نه از نوع استعاره‌ای، بلکه از نوع مستقل می‌دانند (Jain, 2013: 833). با اعمال شیوه استقلالی در احراز مسئولیت معاون که در شق اول به «نظریه چندگانگی»^۴ منجر خواهد شد، نظام حقوقی در صورت تعدد عاملان جرم ارتكابی در واقع با چند جرم مواجه می‌شود و معاون همانند مباشر جرمی مستقل، مسئول فعل خویش و جدای از مباشر و یا شرکای جرم شناخته می‌شود. این نظریه بر این باور است که با گسیختن پیوند میان جرم معاونت و جرم اصلی آسان‌تر و منصفانه‌تر می‌توان درباره هریک از مداخله‌کنندگان در جرم قضاوت کرد (اردبیلی، ۱۳۹۳: ۱۲۳-۱۲۰).

نظر اخیر با جرم‌انگاری مستقل برخی اشکال مسئولیت کیفری در اساسنامه دیوان‌های بین‌المللی کیفری به شکل محدودی پذیرفته شده است. برای نمونه، می‌توان به جرم تحریک مستقیم و علنی به ارتکاب نسل‌کشی و تبانی در ارتکاب نسل‌کشی مندرج در بندهای (ب) و (ج) ماده ۲(۳) اساسنامه دیوان رواندا و بندهای (ب) و (ج) ماده ۴(۳) اساسنامه دیوان یوگسلاوی اشاره کرد که برای عاملان این اعمال صرف‌نظر از

1. Independent

2. derivative

3. Theory of Equivalence (Monistic) or Unitary System

4. Restrictive Theory (Dualistic or Differentiated)

ارتکاب یا عدم ارتکاب نسل کشی قائل به مسئولیت شده‌اند (ICTR, 2011: 1988). صرف نظر از موارد اخیر که نظریه چندگانگی در حقوق بین الملل کیفری پذیرفته شده، در سایر موارد شاهد اشاره به تمام اشکال مسئولیت کیفری در قالب یک ماده در اساسنامه‌های دیوان‌های یوگسلاوی، رواندا و سیرالئون هستیم. همین امر باعث شده که برخی حقوقدانان معتقد به عدم وجود سلسله مراتب بین اشکال مختلف مسئولیت کیفری بین المللی باشند (ICC, Judge Adrian Fulford, 2012: 6-12; Vajda, 2014:1046).

شق دوم اجرای شیوه استقلالی در احراز مسئولیت عاملان جرائم بین المللی، منجر به اعمال «نظریه یگانگی کارکردی»^۱ می‌شود. وجه تسمیه یگانگی در این نظریه این است که احراز مسئولیت تمام مشارکت کنندگان برای یک جرم ارتكابی صورت می‌گیرد. در واقع برخلاف نظریه چندگانگی، در این نظریه معاون، مباشر و شریک همگی برای یک جرم ارتكابی محاکمه می‌شوند. اعمال شیوه استقلالی در صورت ارتكاب جرائم بین المللی در این شق به این صورت است که ارکان مسئولیت هریک از مشارکت کنندگان برای جرم ارتكابی (رابطه سببیت بین عمل شخص و جرم ارتكابی از یک طرف و رکن معنوی لازم برای جرم ارتكابی از طرف دیگر) مستقل از دیگری احراز می‌شود. در واقع، سرنوشت واحدی در انتظار تمام مشارکت کنندگان در جرم ارتكابی نیست (Stewart, 2016: 4).

رویه دیوان‌های بین المللی کیفری بیانگر درجه بندی مسئولیت بین متهمان به جرائم بین المللی است. برای نمونه شعبه مقدماتی دیوان در پرونده لوبانگو به صراحت بین مسئولیت متهم بر اساس بند الف ماده (۳) ۲۵ از یک طرف و بندهای ب و پ و ت ماده ۲۵ از طرف دیگر تفکیک قائل می‌شود و بندهای اخیر را تحت عنوان مسئولیت معاون در جرم می‌شناسد (ICC, 2006: 78; ICC, 2007: 320). موضوعی که به تأیید شعب بدوی و تجدیدنظر دیوان هم رسید (ICC (A), 2014: 467; ICC, 2012: 999).

مسئولیت معاون در ارتكاب جرم یک مسئولیت ثانوی و تبعی است که در صورت ارتكاب و یا حداقل شروع به ارتكاب جرم توسط مرتکب اصلی محقق می‌شود. شعبه

بدوی دیوان در پرونده لوبانگو در تأیید ادعای خود مبنی بر وجود مسئولیت متمایز معاون از مباشر در ماده (۳) ۲۵ اساسنامه به تفاوت نگارش بند الف ماده (۳) ۲۵ با بندهای ب الی ت هم اشاره می‌کند. در بندهای اخیر معاون بابت کمکی که به ارتکاب یا شروع به ارتکاب می‌کند، مسئولیت خواهد داشت. در حالی که در بند الف صحبتی از شروع به ارتکاب جرم نشده بلکه مسئولیت بابت شروع به ارتکاب جرم مستقلاً در بند ج ماده ۲۵ آمده است که تنها مختص منتسبان بند الف است. در نتیجه، مسئولیت معاون نیازمند ارتکاب یا شروع ارتکاب جرم اصلی است و در غیر این صورت محقق نخواهد شد؛ اما مسئولیتی از بابت شروع به معاونت در جرم متوجه اشخاص مذکور در بندهای ب الی ت ماده (۳) ۲۵ نخواهد بود. این دلیل دیگری است که از نظر دیوان مسئولیت معاون متفاوت از مسئولیت مباشر جرم خواهد بود (ICC, 2012: 998).

علاوه بر این، دیوان یوگسلاوی هم علی‌رغم درج تمامی اشکال مسئولیت در ماده (۱) ۷، در رویه قضایی خود صراحتاً بر تمایز بین اشکال مسئولیت مندرج در این ماده تأکید کرده است. شعبه تجدیدنظر دیوان یوگسلاوی در پرونده «کرنوجلاچ»^۱ ضمن اشاره به پرونده تادیچ اذعان کرد که کمک مادی و معنوی در ارتکاب جرم مصداقی از معاونت در ارتکاب یک جرم بین‌المللی است (ICTY, 2003: 33). هم‌چنین دیوان یوگسلاوی در پرونده «سیمیچ»^۲ صراحتاً اعلام کرد که کمک مادی و معنوی در ارتکاب یک جرم مستلزم مجازاتی کمتر از مشارکت تحت عنوان اقدامات مجرمانه مشترک است (ICTY, 2006: 265)؛ بنابراین، معاونت در ارتکاب جرم بین‌المللی در دیوان‌های بین‌المللی کیفری نسل دوم (ICTY, 2009: 407; ICTY, 2004: 181-182) و دیوان (ICC) (B), 2014: 467) برخلاف دادگاه‌های نورنبرگ و توکیو به عنوان یکی از اشکال مسئولیت کیفری بین‌المللی به رسمیت شناخته شده است که مستلزم مسئولیت کم‌تر در قیاس با اشکال مباشرت در ارتکاب جرائم بین‌المللی است.

البته مشکلی که در برخورد با جرائم بین‌المللی وجود دارد، عدم تنوع در نوع

مجازات صادره است؛ بنابراین این امکان وجود دارد که متهمی تنها به اتهام یکی از اشکال معاونت در ارتکاب جرائم بین‌المللی به مجازات حبس ابد محکوم شود و به این ترتیب تفاوتی در مجازات معاونان و مباشران یک جرم بین‌المللی وجود نداشته باشد. عامل دیگری که ارزیابی رویه قضایی بین‌المللی در تعیین مجازات برای معاونان در قیاس با مباشران جرائم بین‌المللی را مشکل می‌سازد، در این است که قضات دیوان‌های بین‌المللی کیفری به صدور یک مجازات واحد برای تمام ردیف‌های اتهامی اکتفا می‌کنند (بیگزاده و میرزاده، ۱۳۹۴: ۶۹). در واقع قضات بین‌المللی بعد از احراز محکومیت متهم به عناوین مجرمانه متفاوت مانند نسل‌کشی، جنایات جنگی و جنایات علیه بشریت و بعد از احراز مشارکت متهم در جرائم ارتكابی به شکل مباشرت و یا معاونت و با لحاظ کیفیات مخففه و مشدده جرم در نهایت یک مجازات واحد را در نظر می‌گیرند؛ بنابراین نمی‌توان به طور قطع و با استناد به مجازات متفاوت دیوان‌های کیفری برای معاونان در قیاس با مباشران اظهار کرد که مجازات معاون در جرم بین‌المللی کمتر از مجازات مباشران آن جرائم است.

امری که دیوان در پرونده کاتانگا و «المهدی» (ICC, 2016: 58) به آن تصریح کرد. طبق نظر شعبه بدوی دیوان در پرونده کاتانگا، تفکیک بین معاون و مباشر در اساسنامه دیوان نهفته است، اما این امر لزوماً به معنای مجرمیت و مجازات کمتر معاون در قیاس با مرتکبان نیست (ICC (B), 2014: 1386-1387). در واقع، می‌توان گفت که در صورت ارتکاب جرم بین‌المللی، دیوان‌های بین‌المللی کیفری با یک جرم مواجه هستند که اشخاص به انحاء مختلف در ارتکاب آن دخالت داشته‌اند. این در اختیار قاضی دیوان‌های بین‌المللی کیفری است که طبق نظریه یگانگی کارکردی با لحاظ میزان کنترل و سببیت متهم در جرم ارتكابی، ابتدا شکل مشارکت متهم را تعیین و سپس میزان مجازات وی را تعیین کنند. هیچ الزام قانونی برای رقم خوردن سرنوشت واحد برای تمام مشارکت‌کنندگان و یا تعیین مجازات کمتر برای معاونان جرائم بین‌المللی وجود ندارد. امری که با توجه به ماهیت جرائم بین‌المللی و نحوه ارتکاب آن‌ها منطقی و منصفانه به نظر می‌رسد.

۲. انواع معاونت در ارتکاب جرائم بین‌المللی

با توجه به مواد مذکور در دیوان‌های یوگسلاوی و رواندا و سیرائون از یک طرف و دیوان از طرف دیگر، می‌توان سه دسته از انواع معاونت در ارتکاب جرائم بین‌المللی را از یکدیگر تفکیک کرد. اول، کمک مادی و معنوی؛ دوم، تشجیع، ترغیب یا تحریک به ارتکاب جرم و سوم، برنامه‌ریزی که به ترتیب به تعریف و شرایط هر یک از آن‌ها اشاره می‌شود.

۲-۱. کمک مادی و معنوی

در این قسمت ابتدا به توضیح رکن مادی و سپس رکن معنوی این مصداق معاونت پرداخته می‌شود.

۲-۱-۱. رکن مادی

طبق تعریف دیوان یوگسلاوی، «کمک مادی و معنوی شامل همه نوع مساعدت لفظی یا فیزیکی است که منجر به تشویق یا حمایت از ارتکاب جرم می‌شود، منوط به این‌که رکن معنوی لازم نیز وجود داشته باشد» (ICTY, 1997: 689). از نظر دیوان یوگسلاوی در پرونده «کوردیچ»^۱، کمک مادی و کمک معنوی دو مفهوم متمایز از یکدیگر هستند، کمک مادی به معنای ارائه هرگونه کمک (فیزیکی) به مباشر جرم است، در حالی‌که کمک معنوی مستلزم تسهیل (حمایت معنوی از) ارتکاب جرم است که هریک به تنهایی (در صورت ارتکاب یا شروع به ارتکاب جرم اصلی) می‌توانند منجر به مسئولیت کیفری فرد طبق ماده (۱) ۷ اساسنامه دیوان یوگسلاوی شود. برای این‌که شخص به موجب این ماده مسئول شناخته شود باید رفتار او نقش مهم و مستقیمی در ارتکاب جرم توسط دیگری داشته باشد. به منظور کمک مادی و معنوی لازم نیست طرح و نقشه‌ای از قبل وجود داشته باشد. کمک مادی و معنوی شامل طیف گسترده‌ای از اقدامات (از جمله ترک فعل در جایی که تعهد به فعل وجود داشته باشد)

1. Kordic

می‌شود، حتی صرف حضور در صحنه جرم در صورتی که منجر به تشویق مرتکبان و یا حمایت معنوی از آن‌ها شود (ICTY, 2001: 389).

تعریف کمک مادی و معنوی در اساسنامه دیوان تفاوت اندکی با تعاریف مورد استفاده در دیوان‌های یوگسلاوی و رواندا دارد. اساسنامه دیوان هرکسی را که «با هدف مساعدت در ارتکاب جرم، کمک مادی یا معنوی کند، یا به شکل دیگری از جمله با فراهم آوردن اسباب ارتکاب جرم در ارتکاب یا شروع به ارتکاب آن مساعدت کند» را مسئول کمک مادی و معنوی به ارتکاب جرم دانسته است. نکته دیگر این‌که هیچ شرط صریحی مبنی بر این‌که کمک مادی و معنوی باید نقش مهمی در ارتکاب جرم داشته باشد، قید نشده است. در حالی‌که شعبه بدوی دیوان یوگسلاوی در پرونده تادیچ اعلام کرد که صرف حضور شخص در صحنه جرم نمی‌تواند به منزله کمک تلقی شود، اما اگر اثبات شود که حضور شخص آگاهانه بوده و اثر مهم و مستقیمی بر ارتکاب جرم داشته، چنین حضوری می‌تواند به منزله کمک مادی و معنوی به ارتکاب جرم باشد و برای احراز مسئولیت شخص کفایت می‌کند (ICTY, 1997, para. 689). موضوعی که مورد تأیید دادگاه ویژه سیرالئون در پرونده مشهور به «سی دی اف» قرار گرفت (SCSL, 2007: 230). هم‌چنین با توجه به عبارت «یا به شکل دیگری در ارتکاب یا شروع به ارتکاب آن... مساعدت کند» در قسمت اخیر ماده (پ)(۳) ۲۵ اساسنامه دیوان به نظر می‌رسد که نیاز به احراز این امر که کمک‌های صورت گرفته تأثیر مهمی در ارتکاب جرم داشته‌اند، نیست (Ambos, 2008: 757).

اما شعبه بدوی دیوان یوگسلاوی در پرونده کوردیچ هم به لزوم اثبات نقش تأثیرگذار کمک مادی و معنوی در ارتکاب جرم تأکید کرده است (ICTY, 2001: 389). از نظر شعبه بدوی دادگاه سیرالئون در پرونده «چارلز تیلور»^۱ آن‌چه که مشخص است میزان کمک‌ها نباید به حدی باشد که بدون وجود آن‌ها جرمی ارتکاب نمی‌یافت (SCSL, 2012: 229). اگر کمک‌های ارائه شده در حد شرط لازم برای جرم ارتكابی باشد دیگر نمی‌توان مسئولیت کمک‌کننده را در حد معاونت در ارتکاب جرم تلقی کرد،

1. Charles Chankay Taylor

بلکه مسئولیت وی در حد مباشر و یا شریک جرم ارتكابی ارتقا می‌یابد. معیار شرط لازم روی دیگر سکه معیار کنترل است که می‌تواند برای تمیز مرتکب اصلی از معاون مورد استفاده قرار گیرد؛ بنابراین برخی شعب دیوان‌های یوگسلاوی و سیرالئون هم به معیار کنترل به طور ضمنی توجه داشته‌اند.

نکته دیگر این که با توجه به قید اساسنامه دیوان مبنی بر این که کمک باید با «هدف مساعدت»^۱ در ارتكاب جرم ارائه شده باشد، این ماده شامل کمک‌های بعد ارتكاب جرم نمی‌شود و نمی‌توان شخصی را که بعد ارتكاب جرم به مباشر جرم مثلاً برای اختفای آثار جرم کمک کرده است را ذیل این بند و تحت عنوان معاون در ارتكاب جرم مسئول دانست (Cryer & et al, 2010:377).

در مقابل، می‌توان به رأی دیوان یوگسلاوی در پرونده کوردیچ و رأی دادگاه ویژه سیرالئون در پرونده‌های «چارلز تیلور» (SCSL, 2012: 484) و «سی دی اف» (SCSL, 2007: 229) اشاره کرد که از نظر این دو دادگاه کمک مادی و معنوی می‌تواند قبل، بعد و یا در زمان ارتكاب جرم ارائه شود. از نظر دیوان یوگسلاوی هرگونه کمک بعد ارتكاب جرم که با هدف پناه دادن و بی‌کیفر ماندن مباشر جرم صورت می‌گیرد، می‌تواند مصداق کمک مادی و معنوی باشد (ICTY, 2001: 389). لازم به یادآوری است که با توجه به برخی آرای دیوان یوگسلاوی (در پرونده‌های پریسپچ و تادیچ و وسیلجویچ^۲) مبنی بر لزوم احراز رکن «انجام عمل با هدف خاص» مساعدت ارتكاب جرم اصلی توسط معاون، شعب دیوان یوگسلاوی در رابطه با شمول کمک‌های بعد ارتكاب جرم به عنوان کمک مادی و معنوی به ارتكاب جرم دچار تشتت آرا هستند.

۲-۱-۲. رکن معنوی

بنا به نظر کمیسیون حقوق بین‌الملل «معاون باید آگاهانه به مرتکب جرم کمک

1. For the purpose of facilitating the commission of such a crime

۲. شعبه بدوی دیوان یوگسلاوی در پرونده وسیلجویچ در هنگام تعریف کمک مادی و معنوی به ارتكاب جرم در اشاره به زمان ارائه این کمک‌ها، صرفاً به واژگان قبل و یا در زمان ارتكاب جرم اشاره کرده و به کلمه بعد ارتكاب جرم تصریح ندارد (ICTY, 2002: 70).

کرده باشد؛ بنابراین اگر شخص بدون اطلاع از این که کمکش ارتکاب جرم را تسهیل می‌کند، به دیگری کمک کرده باشد، مسئول نخواهد بود.^۱ مهم‌تر این که رکن معنوی در اساسنامه دیوان عبارت است از این که رفتار معاون باید با هدف مساعدت صورت گرفته باشد؛ این شرطی بالاتر از شرط علم و آگاهی است که در دیوان‌های یوگسلاوی و رواندا مقرر شده بود و یکی از مواردی است که متضمن تصمیم‌گیری سخت درباره‌ی انگیزه متهم است. این قید موجب شده که رکن معنوی مقرر در این شکل از مسئولیت فراتر از ماده ۳۰ اساسنامه دیوان باشد (Ambos, 2008: 760).

از نظر شعبه تجدیدنظر در پرونده تادیچ، رکن معنوی لازم برای کمک مادی و معنوی، آگاهی کمک‌کننده از این است که اعمال ارتكابی‌اش به ارتكاب جرم خاص توسط مباشر کمک می‌کند (ICTY, 1999: 229). موضوعی که مورد تأیید دیوان یوگسلاوی در پرونده کوردیچ هم قرار گرفت (ICTY, 2001: 390). در مقابل، از نظر اساسنامه رم صرف آگاهی معاون از تأثیرگذار بودن کمکش کفایت نمی‌کند، بلکه باید هدف وی از کمک، مساعدت در ارتكاب جرم باشد. شعبه بدوی دیوان یوگسلاوی در پرونده «اورپیچ»^۲ اعلام کرد که در رابطه با احراز رکن معنوی لازم برای کمک مادی و معنوی چهار شرط ضروری است: اول، کمک مادی و معنوی باید عامدانه باشد؛ دوم، کمک‌کننده هم باید نسبت به تأثیر رفتارش بر ارتكاب جرم و هم نسبت به ارتكاب جرم از سوی مباشر قاصد باشد؛ سوم، قصد مشتمل بر اطلاع از ارتكاب جرم و پذیرش آگاهانه جرم ارتكابی از سوی مباشر می‌شود و چهارم، در رابطه با اطلاع از ارتكاب جرم، کمک‌کننده باید حداقل از نوع و ارکان اساسی جرم ارتكابی مطلع بوده باشد. با این وجود، لازم نیست که کمک‌کننده از مکان، زمان و تعداد دقیق جرائم ارتكابی در نتیجه کمک‌های صورت گرفته مطلع بوده باشد (ICTY, 2006: 288).

شعبه بدوی دادگاه ویژه سیرالئون در پرونده چارلز تیلور در رابطه با شرایط لازم

1. International Law Commission Draft Code of Crimes against the Peace and Security of Mankind (I.L.C. Draft Code), Art. 2(3)(a) & (d), in Prosecutor v. Duško Tadic, 1997, para. 688

2. Oric

جهت احراز رکن معنوی کمک مادی و معنوی به ارتکاب جرم با استناد به برخی پرونده‌های یادشده در دیوان یوگسلاوی اعلام می‌دارد: «متهم باید کمک خود را با اطلاع از این‌که کمک وی به ارتکاب جرم اصلی کمک می‌کند، انجام داده باشد و یا این‌که از احتمال بالای این‌که کمک وی منجر به ارتکاب جرم اصلی می‌شود، آگاه بوده باشد. هم‌چنین متهم باید از ارکان اصلی جرم ارتكابی توسط مرتکب اصلی از جمله رکن معنوی مرتکب اصلی آگاه بوده باشد» (SCSL, 2012: 486).

با توجه به آراء مذکور به نظر می‌رسد که در رابطه با حداقل رکن معنوی لازم برای معاون جرم بین دیوان‌های بین‌المللی کیفری اتفاق نظر وجود داشته باشد: این‌که طبق معیار ذهنی لازم نیست معاون هم قصد ارتکاب جرم را داشته باشد، اما آگاهی و اطلاع معاون باید در حدی باشد که بتوان پذیرش جرم ارتكابی مباشر از سوی وی را احراز کرد. با وجود این در رابطه با اینکه آیا معاون خود نیز باید قصد مساعدت در ارتکاب جرم را داشته باشد، بین دیوان و آرای برخی شعب دیوان یوگسلاوی از یک طرف و دادگاه ویژه سیرالئون و برخی شعب دیگر دیوان یوگسلاوی اختلاف نظر وجود دارد. دادگاه ویژه سیرالئون در پرونده سی دی اف قائل به جمع این دو نظر است. از نظر این دادگاه لازم نیست که کمک‌کننده از قصد ارتکاب جرم مشابه مرتکب اصلی برخوردار باشد، بلکه باید از قصد مرتکب اصلی آگاه بوده باشد. در نتیجه کمک‌کننده-ایی که از قصد مرتکب اصلی در ارتکاب جرم آگاه است، در واقع قصد مساعدت به ارتکاب جرم را داشته است (SCSL, 2007: 231).

۲-۲. تحریک کردن

در رابطه با تحریک به ارتکاب جرم بین‌المللی، ابتدا رکن مادی این شکل از معاونت و سپس رکن معنوی لازم برای تحقق آن پرداخته می‌شود.

۲-۲-۱. رکن مادی

به موجب ماده (۱) ۷ از اساسنامه دادگاه یوگسلاوی «هر فردی که به برنامه‌ریزی،

تحریک، دستور، ارتکاب یا کمک مادی و معنوی به برنامه‌ریزی، ارتکاب یا اجرای یکی از جرائم مذکور در مواد ۲ تا ۵ این اساسنامه پرداخته باشد، نسبت به آن جرم از مسئولیت فردی برخوردار است.» در مقابل در اساسنامه دیوان «...شخص برای جرائم تحت صلاحیت دیوان مسئول است و مجازات می‌شود، اگر آن شخص: ب- «دستور»^۱، «تشجیع»^۲ یا «ترغیب»^۳ ارتکاب جرم را انجام داده باشد در صورتی که جرم مذکور در واقع ارتکاب یافته باشد و یا شروع به ارتکاب آن شده باشد؛

دستور دادن به عنوان یکی از اشکال مسئولیت کیفری در دو ماده یاد شده تکرار شده است. با وجود درج این واژه در کنار تحریک، ترغیب و تشجیع، در رابطه با جایگاه و عنوان مسئولیت دستوردهنده اختلاف نظر وجود دارد. برخی بر این اعتقاد هستند که دستور از مصادیق معاونتی است که به دلیل اهمیت نقشش و علی‌رغم عدم ارتکاب ارکان مادی جرم در حکم مباشر تلقی می‌شود (شیخ‌الاسلامی، ۱۳۹۶: ۱۴۱). در مقابل، از نظر دیگر دستوردهنده فاعل معنوی و مرتکب اصلی شناخته خواهد شد که علی‌رغم عدم انجام ارکان مادی جرم، به واسطه دیگری (مأمور) مرتکب جرم می‌شود^۴ (Ambos, 2008: 755). لذا احراز این شکل از مسئولیت مستلزم وجود یک رابطه سلسله‌مراتبی بین آمر و مأمور است (ICTR, 1998: 483). با توجه به درج دستور دادن در کنار تحریک یا ترغیب یا تشجیع و پیش‌بینی فاعل معنوی (باواسطه) در بند الف ماده (۳) ۲۵ اساسنامه دیوان، نظر اول هماهنگی بیشتری با اساسنامه دیوان دارد. طبق این نظر فاعل معنوی محدود به موارد مدیریت در ارتکاب جرم شده و دستور دادن از

1. Orders
2. Solicits
3. Induces

۴. در این رابطه در پرونده آکایسو، شعبه بدوی از اصطلاح مشارکت (Complicity) در جرم به واسطه صدور دستور به مباشر جرم استفاده کرده است. آنچه مشخص است در این رأی دیوان رواندا صراحتاً موضع خود را مشخص نکرده است و به طور کلی از اصطلاح مشارکت در جرم سخن رانده است. به همین دلیل است که دو تفسیر فوق از این رأی وجود دارد (ICTR, 1998: 483).

در پرونده «کریستیچ»، شعبه بدوی دیوان یوگسلاوی همه مصادیق ذیل ماده (۱) ۷ اساسنامه از جمله دستور دادن را با عنوان مشارکت از طریق ارتکاب جرم می‌شناسد. دیوان یوگسلاوی تلاشی جهت تعیین ماهیت مشارکت از طریق دستور دادن نمی‌کند (ICTY, 2001: 601).

مصادیق فاعل معنوی خارج می‌شود.

تحریک کردن مشابه تشجیع یا ترغیب ارتکاب جرم مندرج در ماده (ب) (۳) ۲۵ اساسنامه دیوان است.^۱ طبق نظر دادگاه بدوی در پرونده «بلاسکیچ»^۲ اثبات آن مستلزم آن است که تحریک‌کننده به ارتکاب جرم خود نیز واجد قصد مجرمانه باشد؛ یعنی مستقیم (قصد ارتکاب جرم) یا غیرمستقیم (قصد مساعدت در ارتکاب جرم)، قصد ارتکاب جرم را داشته باشد. با این وجود در این‌جا نیز شخص تحریک‌کننده باید متفاوت از شخصی باشد که رکن مادی جرم را انجام می‌دهد. در واقع تحریک کردن مستلزم این است که «متهم دیگری را به ارتکاب جرم وادارد». عبارت واداشتن در این‌جا به اندازه‌ای گسترده است که به نظر می‌رسد هم از طریق فعل و هم از طریق ترک فعل قابل ارتکاب است و شامل رفتارهای صریح و ضمنی هم می‌شود (ICTY, 2000: 273 & 280; ICTY, 2006: 273). با این وجود معنای عادی کلمه تحریک کردن، سبب شدن ارتکاب جرم توسط دیگری است؛ یعنی باید یک رابطه سببی بین تحریک و ارتکاب جرم وجود داشته باشد و به منظور محکومیت تحریک‌کننده وجود این رابطه باید اثبات شود (ICTY, 2000: 281).

از نظر دیوان رواندا تحریک علنی مستلزم واداشتن به ارتکاب جرم از طریق سخنرانی، تهدید یا اعمال فشار از طریق وسایل ارتباطی است (ICTR, 1998: 555). از نظر دیوان یوگسلاوی تحریک کردن مستلزم تحت تأثیر قرار دادن مرتکب از طریق برانگیختن، تشجیع و یا سایر طرق ترغیب به ارتکاب جرم است. این به این معنا نیست که تحریک‌کننده باید ایده و طرح اصلی ارتکاب جرم را برنامه‌ریزی کرده باشد. اگر مرتکب جرم قبلاً در رابطه با ارتکاب جرم فکر کرده باشد و تصمیم نهایی وی با تحریک شخص دیگری اتخاذ شده باشد، می‌توان گفت که تحریک صورت گرفته است؛ اما اگر مرتکب قطعاً تصمیم به ارتکاب جرم گرفته باشد، تشویق بیشتر وی از

۱. معادل جرم ناتمام تحریک به ارتکاب جرم (Incitement) در بریتانیا، تشجیع به ارتکاب جرم (Solicitation) در آمریکا است (Timmermann, 2006: 825).

سوی دیگری تنها می‌تواند دلالت بر کمک مادی و معنوی کند (ICTY, 2006; 271 & 274).

گرچه باید اثبات شود که تحریک عامل مهمی در ارتکاب جرم بوده است، اما نیاز نیست که شرط لازم بوده باشد (ICTY: 270, 339; ICTY, 2006: 274). به نظر می‌رسد که این حد از رابطه سببی مورد نیاز از نظر دیوان‌های (رواندا، یوگسلاوی و سیرالئون) به نوعی بیانگر همان معیار کنترل جرم مدنظر دیوان است که برای تمیز مباشر از معاون جرم مورد استفاده قرار می‌گیرد. به موجب معیار کنترل مباشر شخصی است که علی-رغم عدم حضور در صحنه جرم، با عدم انجام نقش محوله می‌تواند مانع از ارتکاب جرم شود. در نتیجه، اگر تحریک شرط لازم جرم ارتكابی باشد به طوری که بدون آن جرمی ارتکاب نمی‌یافت، تحریک‌کننده را نه به عنوان معاون بلکه به عنوان فاعل معنوی و مباشر جرم ارتكابی می‌توان در نظر گرفت؛ مسئولیتی که نافی مسئولیت فاعل مادی جرم ارتكابی نمی‌شود.

در تبیین رابطه بین تحریک کردن از یک سو و کمک مادی و معنوی از سوی دیگر، به منظور تحقق تحریک در ارتکاب جرم نیاز به چیزی بیشتر از تسهیل ارتکاب جرم است، از آنجا که تسهیل ارتکاب جرم به معنای کمک مادی و معنوی در ارتکاب جرم است. در بیان رابطه بین تحریک کردن و دستور دادن، گرچه عمل کردن یک شخص بنا به تحریک دیگری مستلزم این است که وی تحت تأثیر شخص تحریک-کننده قرار داشته باشد، اما لازم نیست که همانند دستور دادن یک رابطه سلسله مراتبی بین تحریک‌کننده و مرتکب جرم وجود داشته باشد (ICTY, 2006: 272).

شعبه بدوی دیوان یوگسلاوی در پرونده اوریچ صراحتاً مشارکت در جرم ارتكابی از طریق تحریک به ارتکاب جرم را همانند کمک مادی و معنوی از مصادیق معاونت ذکر کرده است. در عین حال مسئولیت معاون را منوط به ارتکاب جرم از سوی مباشر اصلی می‌داند (ICTY, 2006: 269). در واقع دیوان یوگسلاوی از نظریه یگانگی تبعیت کرده است و قائل به سلسله مراتب بین اشکال معاونت در جرائم بین‌المللی هم شده به طوری که کمک مادی و معنوی در ارتکاب جرم را مستلزم دخالت کمتر معاون در

قیاس با تحریک به ارتکاب جرم دانسته است. تفاوتی که می‌تواند در نهایت منجر به مسئولیت بیشتر برای تحریک‌کننده در قیاس با کمک‌کننده به ارتکاب جرم شود.

۲-۲-۲. رکن معنوی

در رابطه با رکن معنوی، شعبه بدوی دیوان یوگسلاوی در پرونده کوردیچ بر این نظر بود که تحریک‌کننده باید قصد تحریک به ارتکاب جرم را داشته باشد. شعب بدوی در پرونده‌های «کواچ»^۱، «نالتیچ»^۲، «بردنین»^۳ و «لیماج»^۴ بر این عقیده بودند که تحریک‌کننده یا باید قصد تحریک به ارتکاب جرم را داشته باشد و یا از احتمال ارتکاب جرم در نتیجه اعمالش آگاهی داشته باشد (ICTY, 2006: 277).

دیوان یوگسلاوی در پرونده اوریچ معتقد است که قصد شامل اطلاع و آگاهی متهم و پذیرش عمل مجرمانه از سوی وی می‌شود و این قصد هم باید در رابطه با رفتار تحریک‌کننده و هم در رابطه با جرمی که وی در آن مشارکت کرده وجود داشته باشد؛ به این معنا که اول از همه تحریک‌کننده از احتمال تأثیر رفتارش بر مباشر جرم آگاه باشد، به طوری که بتوان گفت تحریک‌کننده جرم ارتكابی را پذیرفته است. دوم این که تحریک‌کننده باید آگاه و موافق ارتکاب جرم از سوی مباشر باشد. سوم، هنگامی که تحریک‌کننده از احتمال ارتکاب جرم از سوی مباشر در اثر اعمال تحریک-آمیزش آگاهی دارد، این به معنای پذیرش جرم از سوی وی تلقی خواهد شد. گرچه لازم نیست که دقیقاً تحریک‌کننده پیش‌بینی کرده باشد که چه کسی و تحت چه شرایطی جرم اصلی را انجام خواهد داد، اما لازم است که وی از نوع و ارکان اصلی جرم ارتكابی اطلاع داشته باشد (ICTY, 2006: 279).

-
1. Kvočka
 2. Naletilić
 3. Brdanin
 4. Limaj

۲-۲-۳. تحریک مستقیم و علنی به نسل‌کشی

تحریک به ارتکاب جرم بین‌المللی گرچه از مصادیق معاونت در ارتکاب جرم است، اما تحریک علنی و مستقیم به نسل‌کشی خود تبدیل به یک جرم مستقل می‌شود. تحریک علنی و مستقیم به ارتکاب نسل‌کشی در ماده (پ)(۳) ۴ اساسنامه دیوان یوگسلاوی (و ماده (پ)(۳) ۲ اساسنامه دیوان رواندا، ماده (ث)(۳) ۲۵ اساسنامه دیوان و بند ۳ ماده ۳ کنوانسیون منع و مجازات نسل‌کشی (۱۹۴۸) جرم‌انگاری شده است. از نظر دیوان رواندا در پرونده «آکایسو» (ICTR, 1998: 481) به دلیل تفاوت این نوع تحریک با تحریک عام برای هریک واژگان متفاوتی مورد استفاده قرار گرفته است.^۱ در تحریک به نسل‌کشی لازم است که تحریک علنی و مستقیم باشد، اما برای تحقق تحریک به ارتکاب جرم نیاز به احراز چنین شروطی نیست. تحریک به ارتکاب نسل‌کشی برای اولین بار در دادگاه نورنبرگ منجر به مسئولیت کیفری «جولیوس استرایکر»^۲ شد. البته به دلیل عدم شناسایی تحریک به ارتکاب نسل‌کشی در این دادگاه به عنوان یک جرم مستقل، وی به اتهام ارتکاب جنایات علیه بشریت محکوم شد. دادگاه در حکم صادره اعلام کرد که بین نوشته‌های تحریک‌آمیز استرایکر در هفته‌نامه‌اش و کشتار و نابودسازی یهودیان یک رابطه سببیت وجود دارد.^۳ در مقابل، «هانس فریتش»^۴ از اتهام تحریک و تشویق به ارتکاب جنایات علیه بشریت به دلیل عدم اثبات رکن معنوی لازم

۱. در رابطه با تفاوت این دو باید اضافه کرد که تحریک مستقیم و علنی به نسل‌کشی (Incitement) خطاب به عموم جامعه صورت می‌گیرد که نهایتاً می‌تواند باعث حاکم شدن فضای نفرت و دوقطبی شدن در جامعه شود و این امکان وجود دارد که هرکسی در پی این تحریک‌های علنی مرتکب جرم شود. به همین دلیل است که در کنوانسیون منع و مجازات نسل‌کشی صرف تحریک علنی و مستقیم به نسل‌کشی به عنوان یک جرم ناتمام جرم‌انگاری شده است؛ اما تحریک به ارتکاب جرائم بین‌المللی (Instigation) تحریکی است که برای ارتکاب یک جرم بین‌المللی خطاب به شخص مشخصی صورت پذیرفته است. به همین دلیل در صورتی منجر به مسئولیت خواهد شد که فرد در پی تحریک، جرم موضوع تحریک را مرتکب شود (Timmermann, 2006, 850-851).

2. Julius Streicher

۳. در رابطه با این‌که آیا دادگاه نورنبرگ در این پرونده تحریک به ارتکاب نسل‌کشی را به عنوان یک جرم ناتمام و مستقل در نظر گرفته و یا مسئولیت ناشی از تحریک به نسل‌کشی را به عنوان شکلی از مسئولیت تبعی در نظر گرفته است، ابهام وجود دارد.

4. Hans Fritzsche

و مستقیم نبودن سخنرانی‌هایش تبرئه شد. گرچه وی بعداً در دادگاه داخلی آلمان به دلیل ایراد سخنرانی‌هایی که در راستای سیاست آلمان نازی برای کشتار یهودیان بود، به نه سال کار اجباری محکوم شد (Timmermann, 2006: 828-831).

تحریک علنی و مستقیم به ارتکاب نسل‌کشی جرم ناتمامی است که مستقلاً برای آن مسئولیت کیفری در نظر گرفته شده است، بدون این‌که نیاز به اثبات این باشد که تحریک منجر به ارتکاب جرم شده است (ICTR, 1998: 561-562). در نتیجه، نیاز به احراز یک رابطه سببی بین تحریک به نسل‌کشی و ارتکاب آن وجود ندارد (Timmermann, 2006: 832, 842). در مقابل، در تحریک به ارتکاب جرائم بین‌المللی لازم است که جرم موضوع تحریک ارتکاب یابد و بین تحریک و جرم ارتكابی رابطه سببیت وجود داشته باشد.

در تحریک علنی و مستقیم به نسل‌کشی (ICTR, 1998: 560, 729)، نیاز به احراز قصد ارتکاب جرم از سوی تحریک‌کننده است، اما در تحریک به ارتکاب جرم، آگاهی و اطلاع تحریک‌کننده باید در حدی باشد که بتوان پذیرش ارتکاب جرم مباشر از سوی وی را احراز کرد.

۲-۳. برنامه‌ریزی

برنامه‌ریزی ارتکاب جرم بین‌المللی آخرین مورد از مصادیق معاونت در ارتکاب جرم بین‌المللی است که علی‌رغم تصریح به آن در دیوان‌های بین‌المللی کیفری موردی، در اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری تصریح نشده است؛ بنابراین اول به بررسی ماهیت و ارکان این شکل از ارتکاب جرم بین‌المللی در دیوان‌های موردی و سپس جایگزین‌های احتمالی آن در دیوان بین‌المللی کیفری پرداخته می‌شود.

۲-۳-۱. دیوان‌های موردی

برنامه‌ریزی یا آماده‌سازی یک جنگ تجاوزکارانه در ماده (الف) ۶ منشور دادگاه نورنبرگ و ماده (الف) ۵ منشور دادگاه توکیو جرم‌انگاری شده بود. هم‌چنین انتهای هر

دو ماده حاوی قیدی است که به موجب آن رهبران، سازمان‌دهندگان، تحریک‌کنندگان و مشارکت‌کنندگان تدوین یک طرح مشترک جهت ارتکاب هریک از جرائم مذکور (در منشور)، برای همه اعمال ارتكابی توسط هر فرد در اجرای طرح مذکور مسئول شناخته می‌شوند. با این وجود، هر دو دادگاه اجرای این دو ماده را به محدود به «جنایات علیه صلح»^۱ کردند. به موجب منشور دادگاه نورنبرگ صرف برنامه‌ریزی یک جنگ تجاوزکارانه می‌تواند مصداق جنایت علیه صلح باشد و مستوجب مسئولیت کیفری فردی است. در واقع احراز مسئولیت از این باب منوط به ارتکاب جرم (در این جا جنگ تجاوزکارانه) نیست و به عنوان یک جرم مستقل جرم‌انگاری شده است (Ameng Okoth. 2014: 142-143).

به موجب ماده (۱) ۷ از اساسنامه دیوان یوگسلاوی «هر فردی که به برنامه‌ریزی،... یا کمک مادی و معنوی به برنامه‌ریزی، ارتکاب یا اجرای یکی از جرائم مذکور در مواد ۲ تا ۵ این اساسنامه پرداخته باشد، نسبت به آن جرم از مسئولیت فردی برخوردار است». ماده (۱) ۶ از اساسنامه دیوان رواندا در خصوص مساعدت و همکاری در ارتکاب جرم عیناً مشابه ماده فوق در دیوان یوگسلاوی است.

شعبه بدوی دیوان یوگسلاوی در پرونده کوردیچ با استناد به پرونده آکایسو و پرونده بلاسکیچ اعلام کرد که برنامه‌ریزی مستلزم آن است که یک یا چند نفر ارتکاب یک جرم (اعم از مراحل مقدماتی و اجرایی آن) را برنامه‌ریزی کرده باشند. برنامه‌ریزی یک شکل مستقل از مسئولیت به موجب ماده (۱) ۷ اساسنامه دیوان یوگسلاوی است و یک متهم را می‌توان به اتهام صرف برنامه‌ریزی یکی از جرائم تحت صلاحیت دیوان محکوم کرد. با این وجود شخصی که به اتهام ارتکاب جرم تحت صلاحیت دیوان محکوم شده است را نمی‌توان بابت برنامه‌ریزی همان جرم مجدداً محکوم کرد. علاوه بر این، شخص در صورتی به اتهام برنامه‌ریزی، تحریک کردن یا دستور دادن یک جرم مسئول شناخته می‌شود که به طور مستقیم (قصد ارتکاب جرم) یا غیرمستقیم (قصد مساعدت به ارتکاب جرم) قصد جرم ارتكابی را داشته باشد (ICTY, 2001: 386).

چنین جرائمی معمولاً در نظام‌های ملی به عنوان جرائم ناتمام شناخته می‌شوند و بدون نیاز به اثبات اجرای کامل جرم قابل مجازات هستند. ماده (۱) ۷ از اساسنامه دیوان یوگسلاوی، ماده (۱) ۶ اساسنامه دیوان رواندا و ماده (۱) ۶ اساسنامه دادگاه سیرالئون، کمک مادی و معنوی به برنامه‌ریزی، ارتکاب یا اجرای یک جرم بین‌المللی را جرم‌انگاری کرده‌اند. از آنجا که کمک مادی و معنوی یک شکل تبعی از مسئولیت کیفری است که مستلزم ارتکاب و یا شروع به ارتکاب جرم اولیه است، این اسناد متضمن این هستند که برنامه‌ریزی یک جرم بین‌المللی خود یک جرم مستقل محسوب می‌شود؛ به این معنا که صرف برنامه‌ریزی به تنهایی کفایت می‌کند و نیازی به ارتکاب جرائم موضوع برنامه‌ریزی نیست (Cryer & et al, 2010: 382).

علی‌رغم رأی شعبه بدوی، شعبه تجدیدنظر دیوان یوگسلاوی در پرونده کوردیچ در مورد برنامه‌ریزی به شکل متفاوتی رأی صادر کرده و اعلام کرده که رکن مادی برنامه‌ریزی مستلزم آن است که یک یا چند نفر، رفتار مجرمانه‌ای را که موضوع جرائم بین‌المللی است و بعداً ارتکاب یافته را برنامه‌ریزی کرده باشند. تنها کافی است که اثبات شود برنامه‌ریزی «عامل اساساً مؤثری»^۱ در ارتکاب چنین جرائمی بوده است (ICTY, 2004: 26).

آرای صادره بعدی دیوان یوگسلاوی حاکی از آن است که رویه دیوان در تفسیر مصادیق ماده (۱) ۷ اساسنامه بر این قرار گرفته است که مصادیق مذکور در صورتی منجر به مسئولیت کیفری فردی می‌شوند که منجر به ارتکاب یکی از جرائم تحت صلاحیت دیوان شوند. به موجب رأی شعبه بدوی دیوان یوگسلاوی در پرونده «گوتوینا»^۲ مسئولیت ناشی از برنامه‌ریزی یک جرم زمانی احراز می‌شود که جرمی به موجب آن توسط دیگری ارتکاب یابد (ICTY, 2011: 1956-1957). در واقع، طبق آرای جدیدتر دیوان یوگسلاوی، مسئولیت ناشی از برنامه‌ریزی نوعی مسئولیت تبعی و ثانوی است که تنها با وقوع جرم بعدی ایجاد می‌شود و به تنهایی منجر به مسئولیت فردی

1. a factor substantially contributing to such criminal conduct
2. Gotovina

نمی‌شود.

در رابطه با رکن معنوی برنامه‌ریزی هم دیوان یوگسلاوی بر این اعتقاد است که اگر اثبات شود که متهم قصد برنامه‌ریزی ارتکاب جرائم بین‌المللی را داشته، مسئول شناخته خواهد شد. با این وجود دیوان اضافه می‌کند که شخصی که فعل یا ترک فعلی را برنامه‌ریزی می‌کند با اطلاع از احتمال زیاد ارتکاب جرم در پی اجرای برنامه، رکن معنوی لازم برای احراز مسئولیت برای برنامه‌ریزی به موجب ماده (۱) ۷ اساسنامه دیوان یوگسلاوی را دارد. برنامه‌ریزی با چنین اطلاعی به منزله پذیرش جرم تلقی می‌شود (ICTY, 2011: 1957). دیوان رواندا و دادگاه ویژه سیرالئون نیز علی‌رغم پیش‌بینی این شکل از معاونت در جرم بین‌المللی، فاقد رویه در این خصوص هستند.

۲-۳-۲. دیوان بین‌المللی کیفری

اساسنامه دیوان اصلاً ناظر به این شکل از مساعدت و همکاری در ارتکاب جرائم بین‌المللی نیست و به برنامه‌ریزی جرائم بین‌المللی به عنوان شکلی از مساعدت و همکاری در ارتکاب جرائم تحت صلاحیت دیوان اشاره نکرده است. در واقع به نظر می‌رسد که جایگزین این اصطلاح در اساسنامه دیوان، بند ت ماده (۳) ۲۵ اساسنامه دیوان است. برخی بر این اعتقاد هستند که این بند ناظر به اقدامات مجرمانه مشترک است که منجر به مسئولیت تمام مشارکت‌کنندگان در اقدام ارتكابی به عنوان مرتکبان اصلی می‌شود (جان‌پور و لادمخی، ۱۳۹۳: ۱۴۵).

در پاسخ باید گفت که شعبه مقدماتی دیوان در پرونده لوبانگو با استناد به معیار کنترل جرم تا حد زیادی از دکتین اقدامات مجرمانه مشترک که در رویه قضایی دیوان‌های یوگسلاوی و رواندا پیش‌بینی شده بود، فاصله می‌گیرد. به طوری که به صراحت با استناد به بند الف ماده (۳) ۲۵ اساسنامه تنها افرادی را به عنوان مرتکبان اصلی مسئول می‌شناسد که منفرداً یا به اتفاق دیگران کنترل عملیات مجرمانه را بر عهده داشته باشند. اشخاص دیگری را که عمداً و با علم به تصمیم مجرمانه گروه به پیشبرد هدف مجرمانه گروه کمک می‌رسانند به عنوان مداخله‌کنندگان ثانوی (معاون) جرائم

ارتكابی مسئول خواهد شناخت. در واقع بند ت ماده (۳) ۲۵ اساسنامه دیوان بیانگر پایین‌ترین سطح مشارکت مادی در جرم است که حتی نیازی به اثبات مهم بودن مداخله متهم در جرم ارتكابی نیست. نحوه نگارش این بند نیز این ادعا را اثبات می‌کند. به موجب بند «... ت» به هر شیوه دیگری در ارتكاب یا شروع به ارتكاب جرم ... نقش داشته باشد...»، نشان می‌دهد که این بند صرفاً برای پوشاندن هر نوع خلاً احتمالی در بندهای قبلی است (یوسفیان، ۱۳۹۳: ۲۹۷-۲۹۳). شعب مقدماتی و تجدیدنظر دیوان در پرونده لوبانگو به صراحت بین مسئولیت متهم بر اساس بند الف ماده (۳) ۲۵ از یک طرف و بندهای ب و پ و ت ماده ۲۵ از طرف دیگر تفکیک قائل می‌شوند و بندهای اخیر را تحت عنوان مسئولیت معاون در جرم می‌شناسند (ICC A), 2014: 467; ICC, (2007: 320).

نتیجه‌گیری

دیوان بین‌المللی کیفری در اولین رأی صادره خود صراحتاً به این امر اذعان کرد که بندهای موجود در ماده (۳) ۲۵ اساسنامه دیوان بیانگر سلسله‌مراتب بین اشکال مختلف مسئولیت کیفری بین‌المللی هستند. به طوری که بند الف ماده (۳) ۲۵ بیانگر اشکال مباشرت در ارتكاب جرائم بین‌المللی و بندهای ب الی ت این ماده بیانگر اشکال معاونت در ارتكاب جرائم بین‌المللی هستند که بعضاً منجر به مسئولیت کمتر برای منتسبان به این بندها می‌شوند.

دیوان برای احراز تمایز بین مباشر و معاون جرم از معیار کنترل استفاده می‌کند. با استفاده از این معیار مرتکب اصلی محدود به شخصی نیست که جرم را به طور فیزیکی مرتکب شده است، بلکه شامل اشخاصی که علی‌رغم عدم حضور در صحنه ارتكاب جرم، بر ارتكاب آن کنترل و رهبری دارند هم می‌شود، زیرا آن‌ها هستند که تصمیم به ارتكاب و چگونگی ارتكاب جرم گرفته‌اند. در نتیجه سایرین که کنترلی بر جرم ارتكابی ندارند، اما در ارتكاب جرم به هر طریق مذکور در بندهای ب الی ت ماده (۳) ۲۵ اساسنامه دیوان نقش داشته‌اند، تحت عنوان معاون مسئولیت خواهند داشت. به

عبارتی طبق معیار کنترل، متهمی که از چنان نقش مهمی در ارتکاب جرم برخوردار است که می‌تواند با عدم ایفای نقش خود مانع از ارتکاب جرم شود، مرتکب اصلی جرم است و در غیراین صورت معاون جرم قلمداد می‌شود.

نگاهی به برخی آرای صادره از دیوان‌های یوگسلاوی و رواندا و سیرالئون نیز بیانگر استناد ضمنی این محاکم به معیار کنترل است. به گونه‌ای که آن‌ها نیز برای تمیز مسئولیت مداخله‌کنندگان در جرائم ارتكابی از لزوم احراز شرطیت لازم استفاده می‌کنند. اگر عمل شخص در ارتکاب جرم در حد شرط لازم باشد، دیگر نمی‌توان نقش وی را در حد معاون تقلیل داد، زیرا بدون عمل وی جرم ارتکاب نمی‌یافت. در واقع، رویه قضایی جدیدتر دیوان‌های یوگسلاوی، رواندا و سیرالئون نیز برخلاف دادگاه‌های نورنبرگ و توکیو بیانگر تأیید نظر دیوان مبنی بر وجود انواع مختلف معاونت در ارتکاب جرائم بین‌المللی است. انواعی که در سه دسته کمک مادی و معنوی، تحریک به ارتکاب جرم و برنامه‌ریزی برای ارتکاب جرائم بین‌المللی قرار می‌گیرند. آنچه مشخص است بین این سه نوع نیز از لحاظ شدت مسئولیت معاون تفاوت وجود دارد و به ترتیب از نوع اول به آخر شاهد سیر صعودی مسئولیت معاون در ارتکاب جرائم بین‌المللی هستیم.

دیوان‌های بین‌المللی کیفری در برخورد با جرائم ارتكابی به دنبال برخورد حداکثری با تمام اشخاصی هستند که به نوبه خود در ارتکاب این جرائم نقش داشته‌اند. به نظر می‌رسد که دیوان‌های بین‌المللی کیفری در تفکیک بین مباشرت و معاونت از نظریه یگانگی کارکردی بهره برده‌اند که به دنبال استقلال سرنوشت هر یک از عاملان جرائم بین‌المللی بسته به میزان و نحوه دخالت در جرائم ارتكابی هستند. در واقع، هیچ الزام قانونی برای رقم خوردن سرنوشت واحد برای تمام مشارکت‌کنندگان و یا تعیین مجازات کمتر برای معاونان جرائم بین‌المللی وجود ندارد. امری که با توجه به ماهیت جرائم بین‌المللی و نحوه ارتکاب آن‌ها منطقی و منصفانه به نظر می‌رسد.

منابع

الف. فارسی

- اردبیلی، محمدعلی (۱۳۹۳) حقوق جزای عمومی، جلد دوم، تهران: نشر میزان.
- میرمحمد صادقی، حسین (۱۳۹۲) دادگاه کیفری بین‌المللی، چاپ ششم، تهران: نشر دادگستر.
- کاسسه، آنتونیو (۱۳۸۷) حقوق کیفری بین‌المللی، ترجمه اردشیر امیرارجمند، زهرا موسوی و حسین پیران، تهران، جاودانه جنگل.
- اردبیلی، محمدعلی، فروتن، مصطفی (۱۳۹۵) «فاعل معنوی در حقوق کیفری ایران»، فصلنامه تحقیقات حقوقی، شماره ۷۳، دوره ۱۹، شماره ۱، صص ۳۴-۱۱.
- بیگزاده، ابراهیم، میرزاده، منا (۱۳۹۴) «مقایسه شدت جرم و مجازات جنایات علیه بشریت و جنایات جنگی»، فصلنامه تحقیقات حقوقی، شماره ۷۱، دوره ۱۸، شماره ۳، صص ۷۳-۴۳.
- خالقی، ابوالفتح، جودکی، بهزاد (۱۳۸۹) «دادگاه ذیصلاح در بزه معاونت در جرم در قلمرو حقوق جزای بین‌الملل»، مجله مطالعات حقوقی، دوره دوم، شماره دوم، پاییز و زمستان، صص ۵۶-۳۷.
- خالقی، ابوالفتح، میرزایی مقدم، مرتضی (۱۳۹۲) «مسئولیت کیفری بین‌المللی در پرتو نظریه فعالیت مجرمانه مشترک»، پژوهشنامه حقوق کیفری، سال چهارم، شماره اول، صص ۱۱۹-۹۷.
- جانی‌پور، مجتبی، لادمخی، معصومه (۱۳۹۳) «مفهوم موسع اقدامات مجرمانه مشترک در حقوق کیفری بین‌المللی»، پژوهش حقوق کیفری، سال دوم، شماره ششم، صص ۱۶۴-۱۳۷.
- شیخ‌الاسلامی، عباس (۱۳۹۶) «مبانی تحولات قانونی در قلمرو مداخله‌کنندگان در ارتکاب جرم»، پژوهشنامه حقوق کیفری، سال هشتم، شماره اول، بهار و تابستان، صص ۱۶۲-۱۳۵.
- یوسفیان شوره‌دلی، بهنام (۱۳۹۳) «کانون مشترک مجرمانه: جست‌وجوی توصیف

مناسبی برای مسئولیت جنایت‌کاران بین‌المللی فراسوی مباشرت مادی»، فصلنامه تحقیقات حقوقی، شماره ۶۸، دوره ۱۷، شماره ۴، صص ۲۶۷-۳۰۱.

ب. انگلیسی

- Ambos, Kai (2008) Article 25: Individual Criminal Responsibility, Commentary on the Rome Statute of the International Criminal Court, Second Edition, O. Triffterer, ed. München, pp. 743-770.
- Cryer, Robert & et al (2010) An Introduction to International Criminal Law and Procedure, second Edition, New York: Cambridge University Press.
- Amenge Okoth, Juliet R. (2014) The Crime of Conspiracy in International Criminal Law, Asser Press, Springer, Hague.
- Jain, Neha (2013) "Individual Responsibility for Mass Atrocity: In Search of a Concept of Perpetration", The American Journal of Comparative Law, Vol. 61, pp. 830-872.
- Stahn, Carsten (2019) "Modes of Liability, International Law in Action: Investigation and Prosecuting International Crimes", University Leiden, Online Coursera, available at: <https://www.coursera.org/lecture/international-law-in-action-2/modes-of-liability-o3nPk> (last visited: 4/28/2019)
- Stewart, James. G. (2016) "The Strangely Familiar History of the Unitary Theory of Perpetration", The Peter A. Allard School of Law, Allard Research Commons, forthcoming, Essays in Honor of Mirjan Damaška.
- Timmermann, Wibke Kristin (2006) "Incitement in International Criminal Law", International Review of the Red Cross, Vol. 88, No. 864, pp. 823-852.
- Vajda, Maja Munivrana (2014) "Distinguishing between Principals and Accessories at the ICC", Zbornik PFZ, 64, (5-6), pp. 1039-1060.
- Zgaga, Sabina (2011) "Participation in International Criminal Law", Law & Justice Review, Vol. 1, No. 2, pp. 99-132.

Cases

- ICC, Prosecutor v Thomas Lubanga Dyilo, Pre-Trial Chamber I, Decision on Confirmation of Charges, Case No. ICC-01/04-01/06, 29 January 2007.
- ICTY, Prosecutor v Vasiljevic, Appeals Chamber, Judgment, Case No. IT-98-32-A, 25 February 2004.
- ICTY, Prosecutor v. Momcilo Perisic, Appeal Chamber, Case No. IT-04-81-A, 28 February 2013.

- ICC, Prosecutor v. Germain Katanga & Mathieu Ngudjolo Chui, Pre-Trial Chamber I, Decision on confirmation of charges, Case No. ICC-01/04-01/07-717, P-T. Ch. I, 30 September 2008.
- ICC (A), Prosecutor v. Thomas Lubanga Dyilo, Appeal Chamber, Judgment on the Appeal of Mr Thomas Lubanga Dyilo against His Conviction, No. ICC-01/04-01/06 A 5, 1 December 2014.
- ICTR, Prosecutor v. Bizimungu, Mugenzi, Bicamumpaka, Mugiraneza, Trial Chamber II, Judgment and Sentence, Case No. ICTR-99-50-T, 30 September, 2011.
- ICC, Prosecutor v Thomas Lubanga Dyilo, Judgment pursuant to Art. 74 of the Statute Separate opinion of Judge Adrian Fulford, Case No. ICC-01/04-01/06-2842, T. Ch. I, 14 March 2012.
- ICC, Prosecutor v Thomas Lubanga Dyilo, Pre-Trial Chamber I, Case No. ICC-01/04-01/06, 24 February 2006.
- ICTY, Prosecutor v. Milorad Krnojelc, Trial Chamber, Judgment, Case No.: IT-97-25-A, 17 September 2003.
- ICTY, Prosecutor v. Blagoje Simic, Appeals Chamber, Judgment, Case No. IT-95-9-A, 28 November 2006.
- ICTY, Prosecutor v Mrksic and Sljivancanin, Appeals Chamber, Judgment, Case No. IT-95-13/1-A, 5 May 2009.
- ICC (B), Prosecutor v. Germain Katanga, Trial Chamber II, Judgment pursuant to article 74 of the Statute, 7 March 2014.
- ICC, Prosecutor v. Ahmad Al Faqi Al Mahdi, Trial Chamber VIII, Judgment and Sentence, ICC-01/12-01/15, 27 September 2016.
- ICTY, Prosecutor v. Duško Tadic, Trial Chamber, Opinion and Judgment, IT-94-1-T, 7 May 1997.
- ICTY, Prosecutor v. Dario Kordic & Mario Cerkez, Trial Chamber, Judgment, IT-95-14/2-T, 26 February 2001.
- SCSL, Prosecutor v. Moinina Fofana & Allieu Kondewa, Trial Chamber I, Judgment on the sentence of Moinina Fofana and Allieu Kondewa, SCSL 04-14- T, 9 October 2007.
- SCSL, Prosecutor v. Charles Chankay Taylor, Trial Chamber II, Judgment, 03-01-T, 18 May 2012.
- ICTY, Prosecutor v Vasiljevic, Trial Chamber II, Judgment, IT, 98-32- T, 29 November 2002.
- ICTY, Prosecutor v. Duško Tadic, Appeals Chamber, Judgment, IT-94-1-A, 15 July 1999.
- ICTY, Prosecutor v. Naser Oric, Trial Chamber, Judgment, IT-03-68-T, 30 June 2006.

ICTR, Prosecutor v. Jean- Paul Akayesu, Chamber I, Judgment, Case No. ICTR-96-4-T, 2 September 1998.

ICTY, Prosecutor v. Krstic, Trial Chamber, Judgment, Case No. IT-98-33-T, 2 August 2001.

ICTY, Prosecutor v. Tihomor Blaskic, Trial Chamber, Judgment, IT-95-14-T, 3 March 2000.

ICTY, Prosecutor v. Ante Gotovina, Ivan Čermak, Miladen Markac, Trial Chamber I, Judgment, Volume II of II, IT-06-90-T, 15 April 2011.

ICTY, Prosecutor v. Dario Kordic & Mario Cerkez, Appeal Chamber, Judgment, IT-95-14/2-A, 17 December 2004.